

رابطه جسم و روح از دیدگاه

ابونصر فارابی و مولوی



www.ketab.ir

مرضیه قاسمی پور

پردیس رافعی کریم آبادی



- سرشناسه : قاسمی پور، مرضیہ، ۱۳۷۲-
 عنوان و نام پدیدآور : رابطہ جسم و روح از دیدگاه ابونصر فارابی و مولوی/مرضیہ قاسمی پور،
 پردیس رافعی کریم آباد.
 مشخصات نشر : تربت حیدریہ: چشم انداز قطب، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاہری : ۵، ۱۱۴ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۳-۹۰۱-۰۰ ریال ۱۳۵۰۰۰۰
 وضعیت فهرست : فیبا
 نویسی :
 یادداشت : کتابنامہ.
 موضوع : فارابی، محمد بن محمد، ۲۶۰-۲۳۹ق. -- دیدگاه درباره جسم و جان
 موضوع : Farabi -- Views on mind and body Muhammad ibn Muhammad ,
 موضوع : مولوی، جلال الدین محمد بن محمد، ۶۰۳-۶۷۲ق. -- دیدگاه درباره جسم و
 جان
 موضوع : Muhammad, Jalaloddin Mohammad ibn-e Mohammad, ۱۲۰VMowlavi, ۱۳۷۲- --
 Views on mind and body
 موضوع : جسم و جان -- فلسفہ
 Mind and body -- Philosophy
 جسم و جان در ادبیات
 Mind and body in literature
 شناسه افزوده : رافعی کریم آبادی، پردیس، ۱۳۷۰-
 رده بندی کنگرہ : BBRT۳۹
 رده بندی دیویی : ۱۸۹/۱
 شماره کتابشناسی : ۹۲۰۹۹۹
 ملی :
 اطلاعات رکورد : فیبا
 کتابشناسی :

رابطہ جسم و روح از دیدگاه ابونصر فارابی و مولوی



نویسندگان : مرضیہ قاسمی پور - پردیس رافعی کریم آبادی
 ناشر : انتشارات چشم انداز قطب
 تیراژ : ۱۰۰۰
 نوبت چاپ : اول
 تاریخ چاپ : ۱۴۰۲
 چاپ : یونا
 قطع : وزیری
 تعداد صفحات : ۱۱۴
 قیمت : ۱۳۵۰۰۰۰ ریال
 شابک :

۹۷۸	۶۰۰	۴۹۳	۹۰۱	۰
-----	-----	-----	-----	---

آدرس: مشهد، خیابان امام خمینی، امام خمینی ۶۴
 تربت حیدریہ، خیابان مدرس، جنب بیمہ پاسارگاد
 تلفن: ۰۹۱۵۳۳۲۸۵۱۶ -- ۰۹۲۲۳۵۷۹۱۰۹

پیشگفتار

فارابی و مولوی هر دو در مورد رابطه نفس و بدن اندیشه‌هایی داشته‌اند. فارابی نفس را متمایز از بدن مجرد از ماده می‌داند که به دلیل تجرد، پس از فنای بدن می‌تواند به بقا ادامه دهد. فارابی در اینکه نفس صورت بدن است و کمال اول برای جسم طبیعی آلی زنده می‌باشد، با ارسطو و دیگر مشائیان همراه است؛ اما معتقد است که پس از آنکه عقل هیولانی نفس انسان به عقل بالملکه و یا بالفعل تبدیل شد، این بخش از نفس می‌تواند به حیات ادامه دهد. از نظر فارابی نفس برای حدوث اولیه نیازمند تن است؛ اما پس از بالفعل شدن عقل، این نیاز از میان می‌رود. همچنین، برخی از قوای ادراکی نفس، بجز عقل که بی‌ابزار است، هر کدام برای ادراک نیازمند آلتی هستند. اما تن نیاز بیشتری به نفس دارد؛ چراکه نفس مدبر امور تن است و حفظ، رشد و نمو و تولید مثل تن بدون نفس ممکن نیست؛ بلکه قوای نفس هستند که این وظایف را برعهده دارند. فارابی با تمایزی که میان نفس و تن می‌گذارد به این نتیجه می‌رسد که اساسی‌ترین بخش نفس، عقل یا نفس ناطقه است که فصل انسان است، و همین بخش است که سعادت اخروی را درک می‌کند. در عوض مولوی از جهتی دیگر به مسئله می‌نگرد و سعی نمی‌کند اطلاعاتی از ماهیت و ذات نفس به دست دهد. از نظر مولوی تن باید در خدمت نفس و جان باشد و او راه‌هایی را در قربانی کردن تن می‌داند. بین نظریات این دو متفکر تفاوت‌های بنیادی زیادی هست؛ چراکه یکی از نظر فلسفی سخن می‌گوید و دیگری از منظری عرفانی، اما در نهایت هر دو به یک نظر می‌رسند و آن این است که نفس و جان اساس انسان است و برای رهایی و رستگاری آن تن باید محدود و انکار شود.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	مقدمه
۷	فصل اول: کلیات
۸	بیان مسئله
۱۴	ضرورت و اهمیت
	فصل دوم پیشینه و سیر موضوع رابطه نفس و بدن (روح و جسم) در سنت اسلامی و جایگاه فارابی و مولوی در سنت فکری اسلامی
۱۷	مقدمه
۱۸	«نفس»، «روح» و کلمات نزدیک به آنها در قرآن
۱۹	دیدگاه عرفانی قرآنی درباره رابطه نفس بدن: بروم تهذیب نفس
۲۳	نظریات فلسفی درباره نفس
۲۶	ارسطو (۳۸۴ ق.م - ۳۲۲ ق.م)
۲۶	کندی (۱۸۵ ه.ق - ۲۵۶ ه.ق)
۳۰	فارابی (۲۵۹ ه.ق - ۳۳۹ ه.ق)
۳۲	ابن سینا (۳۷۰ ه.ق - ۴۲۷ ه.ق)
۳۶	غزالی (۴۵۰ ه.ق - ۵۰۵ ه.ق)
۳۸	سهروردی (۵۴۹ ه.ق - ۵۸۷ ه.ق)
۴۰	ابن عربی (۵۵۸ ه.ق - ۶۳۸ ه.ق)
۴۰	ملاصدرا (۹۸۰ ه.ق - ۱۰۵۰)
۴۱	معرفی اجمالی زندگی و آثار فارابی و مولوی

- ۴۲ زندگی، آثار و جایگاه فکری فارابی
- ۴۴ زندگی و آثار و جایگاه فکری مولوی
- ۴۷ فصل سوم: رابطه نفس و بدن (روح و جسم) از منظر فارابی
- ۴۸ مقدمه
- ۵۰ کلیات نظام نفس شناسی فارابی
- ۵۳ نفس ارضی (نفس انسانی)
- ۵۵ اثبات وجود نفس انسانی
- ۵۸ تجرد نفس
- ۶۱ بقای نفس
- ۶۳ قوای نفس و تبیین ارتباط نفس/بدن بر اساس آنها
- ۶۶ چارچوب نیازمندی‌های متقابل نفس و بدن به هم
- ۷۲ فصل چهارم: رابطه نفس و بدن از نظر مولوی
- ۷۳ مقدمه
- ۷۵ انسان کامل و عرفان نظری
- ۷۵ اشاره‌های مولوی به نظریات فیلسوفان درباره نفس
- ۷۹ ریز مولوی از مباحث نظری و «قال و قیل»
- ۸۳ ماهیت ناشناختنی نفس از منظر مولوی
- ۸۵ نفس ناطقه به منزله مدبر و امیر بدن
- ۸۷ تن مانع نفس است برای شناخت حقیقت
- ۹۱ بیان اندیشه‌ها در قالب استعاره‌ها
- ۹۴ راه رستگاری چیست؟

مقدمه

بسیاری از سوالات فلسفی هستند که سابقه‌ای طولانی دارند و در طول تاریخ تفکر همیشه مطرح بوده‌اند؛ یکی از این پرسش‌ها، مسئله رابطه میان نفس و بدن است. این پرسش در طی قرون برای عالمان مطرح بوده است. دامنه طرح سوال هم مخصوص یک فرهنگ یا دین خاص نیست؛ بلکه هر سه دین ابراهیمی با آن درگیر بوده‌اند. اما سابقه طرح سوال در سنت اسلامی به اولین مراحل نهضت ترجمه باز می‌گردد که آثار فلسفی یونان به عربی ترجمه شدند و فیلسوفان مسلمان به مسائل فلسفی مطرح شده آشنا شدند. فارابی را به دلیل فضل تقدم و اهمیتی که در تاسیس فلسفه اسلامی دارد، «معلم اول» می‌خوانند و اتفاقاً بحث از رابطه نفس و بدن نیز از آثار وی سرچشمه می‌گیرد؛ هرچند که نشانه‌هایی هست که کسان دیگری قبل از وی نیز به آن پرداخته باشند. مسئله نفس و بدن به عنوان یک پرسش فلسفی برای فیلسوفان اسلامی مهم بوده و هست. اما این پرسش، صرفاً پرسشی فلسفی نیست، بلکه وقتی در فلسفه اخلاق بحث می‌کنیم و می‌خواهیم بدانیم که هدف زندگی انسان چیست و زندگی مطلوب چگونه چیزی است، اولین پرسش این است که انسان چیست؟ یعنی آنچه که ذات انسان است و انسان بدان انسان است، چیست؟ پس اگر انسان همان جسمش است، آیا درست است که به نیازهای تن بی‌توجهی کنیم؟ اما اگر اصل انسان چیزی غیرمادی باشد، یعنی روح او، پس نباید به نیازهای تن توجه کرد و باید به آن اصل متعالی پرداخت. از این رو است که این مسئله برای عارفان مسلمان نیز مهم بوده است؛ چراکه عرفان و تصوف سبکی از زندگی است که هدف آن کسب مکارم اخلاقی و فضایل انسانی است. از این جهت در آثار صوفیان نیز پاسخ‌های زیادی برای رابطه نفس/بدن وجود دارد.

در این نوشته می‌خواهیم مسئله رابطه متقابل نفس و بدن را از منظر دو اندیشمند بررسی کنیم و آنها را تطبیق دهیم: فارابی و مولانا جلال الدین رومی.

در ابتدا مسئله بیان می‌شود و سپس فارابی و مولوی جلال الدین رومی را معرفی خواهیم کرد. به همین جهت، این پایان نامه به فصولی تقسیم شده است و در هر فصل بخش‌هایی جزئی قرار داده شده است. در فصل دوم که تاریخچه موضوع و پیشینه است، به اهم دیدگاه‌های مطرح در سنت اسلامی درباره رابطه نفس/بدن پرداخته ایم؛ در این فصل علاوه بر دیدگاه‌های فیلسوفان، که نظریات مطرح در این موضوع از آن آنهاست، به تبیین موضوع در قرآن نیز پرداخته ایم؛ افزون بر آن، چون مولوی در دسته عرفا قرار می‌گیرد، به دیدگاه‌های عرفا نیز اشاره شده است. در همین زمینه به دیدگاه‌های ارسطو، کندی، فارابی، ابن سینا، غزالی، سهروردی، ابن عربی و ملاصدرا پرداخته شده است. در فصل سوم به تبیین دیدگاه فارابی پرداخته شده است و در آن در ابتدا کلیات نظریه نفس شناسی فارابی معرفی شده است؛ در این فصل به موضوع ماهیت نفس از منظر فارابی و نقش روح بخاری در ارتباط برقرار کردن میان نفس و بدن پرداخته شده است و پس از آن، به تفاوت نفس ارضی و سماوی، اثبات وجود و تجرد و بقای نفس پرداخته شده است و در نهایت به نیازمندی‌های مقابل نفس و روح و جایگاه روح بخاری پرداخته شده است. در انتها ارتباط این مباحث با سعادت و شقاوت انسان و راه خوشبختی انسان بررسی شده است. در فصل بعدی نظریه نفس شناسی مولوی تبیین شده است. در این فصل در ابتدا مبحث انسان کامل بررسی شده است چراکه دیدگاه‌های عرفانی اغلب مبتنی بر این رویکرد کلی هستند؛ در بخش پس از آن، از آنجا که عرفا بسیار متأثر از آموزه‌های اسلامی هستند، به بحث دیدگاهی که می‌توان از آیات کتاب برگرفت پرداخته شده است. در بخش‌های پس از آن به مباحثی از قبیل اینکه نظر مولوی درباره نظریات فلسفی چه بوده و چه اشاراتی به آنها داشته است پرداخته شده است، و همچنین نشان داده شده است که او عامداً و عالماً از مباحث نظری و جدال‌های استدلالی دوری می‌کرده است؛ چراکه ماهیت نفس را نادانستنی قلمداد می‌کرده است. پس از آن کلیات اندیشه‌های مولوی درباره نظریه نفس در قالب استعاراتی که بیان کرده است و

رویکردهای اصلی آن مانند حجاب و مانع بودن تن برای نفس بررسی شده است. در آخرین فصل نوشته که جمع بندی مطالب و تطبیق و مقایسه است به این نتیجه رسیده ایم که اگرچه اختلافات بزرگی میان دو دیدگاه مورد بررسی وجود دارد اما اشتراکات آنها نیز غیرقابل چشم پوشی است.

www.ketab.ir